دیابتی‌هاهیچ گاه با پای برهنه راه نروند

کفش نوک تیز و پاشنه بلند بدترین نوع کفش برای افراد دیابتی است یکی از عوارض دیررس بیماری دیابت، نوروپاتی یا گرفتاری اعصاب است که شیوع این عارضه در بیماران دیابتی بسیار شایع است و شدت نوروپاتی با سن، طول مدت ابتلا به دیابت و چگونگی کنترل قند خون ارتباط دارد. به گزارش ایسنا، دکتر شهین یاراحمدی کارشناس اداره غدد و متابولیسم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: زخم پای دیابتی به چندین شکل در بیماران دیده می‌شود، شایعترین فرم آن به صورت گرفتاری حس در پا ظاهر می‌شود که ممکن است به صورت درد، سوزن سوزن شدن و یا مور مور شدن در پاها بروز کند و یا به صورت از بین رفتن حس درد، حرارت و درک موقعیت پا تظاهر کند.
وی با اشاره به این که آموزش در زمینه کنترل دیابت و زخم پای دیابتی بسیار حائز اهمیت است، افزود: اگر بیماران دیابتی بحث آموزش را جدی بگیرند و چربی خون، فشارخون و بهداشت پاها را کنترل کنند دچار زخم پا نمی‌شوند.
وی به بیماران دیابتی توصیه کرد: روزانه پاهای خود را از نظر وجود تاول، بریدگی، زخم، خراشیدگی یا ضایعات بین انگشتان بررسی کنند و پاهای خود را هر روز بشویند و بین انگشتان را به دقت خشک کنند همچنین در صورت خشکی پوست پاها، پس از شستشو و خشک کردن از کرم یا روغن نرم کننده استفاده کنند.
دکتر یاراحمدی تصریح کرد: افراد دیابتی هیچگاه نباید با پای برهنه راه بروند زیرا به دلیل از کار افتادن عصب‌های پایشان، درد را خوب حس نکرده و موجب زخم شدن پایشان می‌شود. به گفته کارشناس اداره غدد و متابولیک وزارت بهداشت، بیماران دیابتی در هنگام خرید کفش باید دقت کنند که کاملا اندازه باشد. مناسب‌ترین کفش، کفشی است که کف راحت داشته باشد و جلویش پهن باشد. زیرا باعث می‌شود جلوی پا و انگشتان از هم فاصله داشته باشند. کفش نوک تیز و پاشنه بلند بدترین نوع کفش برای افراد دیابتی محسوب می‌شود. وی گفت: جوراب‌های کتانی یا نخی بهترین نوع جوراب برای افراد دیابتی است و توصیه نمی‌شود که از جوراب‌های پلاستیکی استفاده کنند همچنین کش جوراب نباید سفت باشد زیرا باعث تجمع آب و ورم پا و در نهایت ایجاد ضایعه می‌شود.
بنا بر اعلام ویدا، دکتر یار احمدی در پایان به بیماران دیابتی توصیه کرد: در صورت وجود یک ضایعه جدید، میخچه، قرمزی، تورم، درد پا یا هرگونه زخم یا تاول فوراً پزشک خود را آگاه کنند و تا زمان معاینه پاها را استراحت دهند.

روشی جدید و موثر برای کنترل چاقی

متخصصان علوم پزشکی در آمریکا موفق شدند با برداشتن یک گیرنده سلولی مربوط به پروتئین «گرلین» که بعنوان هورمون اشتها شناخته شده است به روشی موثر برای کنترل چاقی دست پیدا کنند. به گزارش ایسنا، این متخصصان متوجه شدند وقتی در موشهای آزمایشگاهی این گیرنده وجود نداشته باشد، چربی بیشتری می‌سوزانند و در نتیجه وزنشان کاهش می‌یابد. متخصصان کالج پزشکی بایلور در هوستون آمریکا دریافته‌اند که خود هورمون گرلین ممکن است به اندازه گیرنده سلولی آن برای مصرف انرژی حائز اهمیت نباشد.
این گیرنده سلولی «گیرنده سکرتاگوگ هورمون رشد» یا GHS–R نامیده می‌شود. به گزارش خبرگزاری شینهوا، این یافته بدان معنی است که گیرنده GHS–R می‌تواند هدف بهتری برای درمان و کنترل چاقی در انسانها باشد. نقش پروتئین گرلین در اشتها و تعادل انرژی در سال ۱۹۹۹ کشف شد. این کارشناسان تایید می‌کنند که حذف گیرنده GHS–R از سلولهای بدن مانع از چاق شدن می‌شود.

آیا می دانستید که...

- آیا می دانستید که مساحت خلیج فارس ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع میباشد ؟
- آیا می دانستید که اولین تماس تلفنی ایران سال ۱۲۸۵ خورشیدی در تهران برقرار شد ؟
- آیا می دانستید که نوعی کوسه دارای ۳۵۰۰ دندان می باشد که از هیچ یک از آنها استفاده نمیکند ؟
- آیا می دانستید که بدن انسان برای حفظ تعادل خود در حال ایستادن از ۳۰۰ عضله استفاده میکند ؟
- آیا می دانستید که سرعت سریعترین حلزون ۲۳ میلیمتر در ثانیه میبا ۱ کیلومتر در ۵ شبانه روز ؟
- آیا می دانستید که چگالی زمین از سیارات دیگر منظومه شمسی بیشتر است ؟
- آیا می دانستید که هر فرد هنگام غذا خوردن بطور متوسط ۲۹۵ بار عمل بلعیدن را انجام می دهد ؟

در مقابل چی مثل چی باش...

- در مقابل ترس باتلاقی را به یاد آور که هر چه بگذرد بیشتر در آن فرو می روی.
- در مقابل دشمن به طرزی عمل کن که عکس العمل او با دوستت فرق چندانی نداشته باشد.
- در مقابل ارتکاب به گناه چنان فرض کن که برای رسیدن به آن باید از یک دیوار بتونی با دست خالی بگذری.
- در مقابل دشمن دوست نما همچون قطب های همنام دو آهن ربا عمل کن.
- در مقام دوست چنان باش که هیچگاه پشت سرش حرفی نزنی که اگر روزی مجبور شدی روبه رویش بگویی شرمنده شوی.
- در مقابل شکست مانند ماهی باش که در خلاف جهت جریان رود ، خستگی ناپذیر ساعت ها و روز ها شنا می کند
- و بالاخره در مقابل عشق همچون شاعران بزرگ با احساس وآماده پاسخگویی باش.
- آنگاه که غرور کسی را له می کنی،
آنگاه که کاخ آرزوهای کسی را ویران می کنی،
آنگاه که شمع امید کسی را خاموش می کنی،
آنگاه که بنده ای را نادیده می انگاری ،
آنگاه که حتی گوشت را می بندی تا صدای خرد شدن غرورش را نشنوی،
آنگاه که خدا را می بینی و بنده خدا را نادیده می گیری،
می خواهم بدانم،
دستانت رابسوی کدام آسمان دراز می کنی
تابرای خوشبختی خودت دعا کنی؟

تکه ای از پازل زندگی های امروزی ؛ یک روز پاییزی...

زهرا بیگلری

گونه هایش سرخ شده ، در حالیکه چادرش را سفت چسبیده ؛ تبسم تلخی چهره اش را فراگرفته انگار که نخواهد نگاههای دور و برش را متوجه چشم هایش که در حال چیدن ستاره است ، کند . احساس می کنی در جوی پر از اکسیژن قرار دارد که تاب نفس کشیدن را از او گرفته . نگاهش را به اشکال هندسی موزائیک فرش ها می دوزد ، اما آنقدر سنگین است که احساست را قلقلک می دهد ، گویی چشم هایش خوب می دانستند که بسیار شرمگین است ... آرام کنارش می نشینم ، طوری که بدنم به او نخورد . جایم را کنارش باز می کنم ،در حالیکه خودم را با «بیامبر و دیوانه» جبران ، صفحه چهل و سه « آنگاه المیترا گفت با ما از مهر سخن بگو » سرگرم کرده ام ، کلی با خودم کلنجار می روم که چگونه افکارش را به رشته کلام درآورم . اما او همچنان با جور چین خاطراتش بازی می کند و در حالیکه رویاهای تلخ مزه اش را ذره ذره قورت می دهد ، ظاهرا متوجه حضور من و حس کنجکاوم نشده !
زمزمه هایش بلند و بلند تر می شود انگار حسرت را در پیچ و تاب افکارش بدواند . هر بار جایش را بر روی نیمکت محکم تر می کند تا نقاب منطق را راحت تر بر تصمیمش بزند و این چهره اش را برافروخته می سازد . هر بار که نگاهی به ساعتش می اندازد و زمان را جرتکه می زند، حس می کنی منتظر آمدن یک نفر است که بنشیند و فقط به حرف های او گوش کند تا مجبور نباشد زیر بار سنگین این همه زمزمه له شود . نمی دانم شاید هم قرار است اتفاق ... اما ناگهان صدای بلند هق هقی رشته حدس و گمانم را پاره می کند . با خودم می گویم بالاخره وقتش رسیده از لابه لای این همه زمزمه های تو در تو به باغ افکارش سرک بکشم و به رشته ی کلام درآوردم . دستم را بر روی شانه چپ اش می گذارم و صدایش می زنم ؛ "خانم اتفاقی افتاده ؟ خانم ، خانم ".
با نگاهی که حال ،جیغ برگ طلایی درختان را زیر پای رهگذران بی ملاحظه اش تجربه کرده، با من حرف می زند ! ناگهان سرش را بر روی شانه ام می کارد و تا دقایقی بی مکث ، فقط از غصه ی تنهایش می گرید . با انگشتانم اشک هایش را لمس می کنم . احساس می کنم که می گوید « دلم خیلی پُره».
بالاخره سرش را بلند می کند و شروع می کند به گفتن ، به درد دل کردن . حتی نفس نمی کشد که حتی یک لحظه را هم از دست ندهد و من نگاهم را به نگاهش نمی دوزم و فقط گوش می کنم . غصه از روی صورتش پاک نمی شود در حالیکه از یک روز پاییزی حرف می زند: « پدرم اصلا با ازدواج ما موافق نبود. پسر خوبی بود ، اهل مسجد و دعا و نماز . منم مثل خودش بودم . اصلا همانجا بود که با هم آشنا البته آشنا که نه ، دلباخته هم شدیم . ذکر خیرش همه جا بود، کسی نبود که از خوبی اش نگوید . اهل محل با به به و چهچه از او می گفتند. هنوز خبری نشده بود اما حرف و نقل ما همه جا بود و خیلی ها حسرت مان را می خوردند که دختر فلانی شانسش آورده . » لابه لای حرف هایش آه اش آنقدر صدا دار بود که مطمئن می شدی که او تصمیم اش را گرفته که یک پاییز ابدی را برای خود برگزیند . باز ادامه می دهد . این دفعه بر می گردم و نگاهش می کنم ، می بینم با هر نفسش هوای گرم ریه هایش در هوای سرد ابر وار به رقص در می آیند و زود محو می شوند و هر بار که آه گرمی می کشد ، پر حجم تر شده و به رویاهایش می پیوندد!
و او آرام آرام لبانش را می جنباند :«بالاخره یکسال بعد از این حرف و حدیث ها که من بی خیال درس و دانشگاه شده بودم ، عقد مختصری گرفتیم و به اصرار پدرم که ناراضی بود ، قرار شد که بعد از اینکه سربازی اش را تمام کرد ؛ عروسی بگیریم . » حسرت از نگاهش می بارد :« دختر با استعدادی بودم . همه ی نگاه ها به سمت من بود که کدام دانشگاه و کدام شهر قبول خواهم شد .اما (یک مکث کوتاه) حماقت کردم ... پدرم همیشه می گفت که پسر خوبی است اما هم کفو ما نیست و من فکر می کردم که می خواهد با این توجیه نظرش را به من تحمیل کند . دقیقا بعد از یک سال بغچه خوشبختی ام بسته شد . انگار تصمیم نداشت دنبال کار و کسبی باشد، توقع داشت کاری در شان مدرک کارشناسی اش پیدا کند اما پیدا نشد . دلش را به وعده های توخالی این و آن که برایش کار درست و حسابی جور می کنند ، خوش کرده بود و به خواب زمستانی فرو رفته بود . کم کم دعواها و درگیری ها مان شروع شد آنهم بر سر هیچ ! این دعواها جدی تر شد و حرف آخرش این شد که تصمیم ندارد شهرش را برای پیدا کردن کار ترک کند و می خواهد پیش مادرش باشد ؛ آخر چندماه بیشتر از عقدمان نگذشته بود، که پدرش فوت کرد ، درست در یک روز پاییزی!.
بی پولی و بیکاری اش کم بود فوت پدرش هم اضافه شد . همان پس انداز ناچیزی هم داشتیم از دست رفت . سکوت من او را جسور تر و پررو تر کرده بود . عین خیالش نبود که من زن اویم و نسبت به من تعهدی دارد . همه ی فکر و ذکرش شده بود درد بی پدری و بی پناهی مادرش .... این وضع به همین جا ختم نشد کم کم زمزمه هایی شنیدم که « دختره بدقدم است و شوم ...! » پدرم راست می گفت که هم کفو ما نیستند. داغ کرده بودم ، خانواده ام هیچ دخالتی نکردند و آنها تصور کردند راستی راستی من باید تسلیم افکار و فرهنگ غلط آنها شوم . با هر بار دعوای ما ، همه اصرار داشتند که زودتر سر و سامان بگیریم تا این قائله ختم شود . مادرش وعده زیاد می داد که برایمان عروسی می گیرد اما تنها در حد همان وعده ماند . خودش هم قید همه چیز را زده بود ... و بالاخره تمام شد !خانواده ام با سکوتشان ، نسبت به ازدواج و تصمیم جدایی عجولانه من اعتراض کردند ، اما فایده ای نداشت ، من تصمیم ام را گرفته بودم .» انگار کمی آرام تر شده باشد . نگاهش را روانه دیوار های مجاور پارک می کند ؛ شاخه های انگور خشک و غمگین اند و باد به دیوار می کوبد و برگ های زردتر به زمین می ریزند . « انگار همان روز پاییزیست ؛ روزی که فکر می کردم خوشبخت می شوم اما ... چندماه پیش دادخواست طلاق دادم .» در حالیکه چشمانش پر از شرم است ، شرم از چشمان پدرش که همیشه با اوست .
نیمه دوم آذر است ، یک روز پاییزی ! نسیمی سرد صورتش را می نوازد ، زمین نم زده است ؛ بوی خاک تمام فضای پارک بنفشه را فرا گرفته است و او زمزمه می کند :« نه ، برنمی گردم ! باید برسم ساعت ۱۰ وقت دادرسی دارم ، تصمیم ام را گرفته ام .» خودش را لای چادرش می پیچد ، نفس عمیقی می کشد . وقت رفتن تکرار می کند: «یک روز پاییزیست » .
غمگین می شوم ، نگاهم با قدم هایش دور و دور تر می شود تا نقطه پایان. با خود می گویم :«آری ! یک روز پاییزی است ؛ تکه ای از پازل زندگی های امروزی که نیندیشیده آغاز می شوند و نا خواسته ؛ نه ندانسته پایان می یابند !!
«بیامبر و دیوانه» را ورق می زنم « و گمان مکنید که می توانید مهر را راه ببرید ، زیرا مهر ، اگر شما را سزاوار بشناسد ، شما را راه خواهد برد... »

نیمه دوم آذر است یک روز پاییزی ! نسیمی سرد صورتش را می نوازد ، زمین نم زده است ؛ بوی خاک تمام فضای پارک بنفشه را فرا گرفته است

طالع بینی

فروردین : امروز بیشتر تخیلی هستید و حقیقت را نادیده می گیرید. تازه توانسته اید اتفاقات هیجان انگیز چند روز اخیر را هضم کنید. پیش از آن که خودتان را از لحاظ روحی درگیر کنید کمی فکر کنید.

اردیبهشت : موقتا حساس و زود رنج هستید ممکن است در محل کار این خصوصیات بیش از حد بروز کند. بنابراین کارهای مهم را انجام دهید و بقیه را برای روزهای دیگر بگذارید. اگر بیش از حد کار کنید خود را بیمار می کنید.

خرداد : افرادی که با شما در محل کار رقابت دارند از هر فرصتی استفاده می کنند تا موقعیت شما را خراب کنند. واقعا لازم است تا جزئیات را بررسی کنید و از انرژی هایتان استفاده کنید سعی کنید راه حل امنی پیدا کنید. ستارگان در رابطه با مشکلات عشقی شما فرصتی می دهند تا با موفقیت آنها را حل کنید.

تیر : اگر هنوز در کاری مشکلی دارید ناراحت نباشید از آنجایی که عطارد به حالت طبیعی بر می گردد همه چیز درست می شود.البته هنوز کارهایی دارید که به توجه شما نیاز دارند.اما حداقل کاغذ بازی های اداری به اتمام می رسند.

مرداد : عطارد از ابتدای ماه دسامبر در مسیر بازگشتی بوده و باعث بروز برخی مشکلات و آشفتگی زندگی اجتماعی شما شده است. امروز دوباره این سیاره موذی به مسیر مستقیم خود برگشته و به شما امکان این را می دهد که هرگونه نابسامانی و آشفتگی را سروسامان داده و به حالت عادی بازگردانید و اگر نسبت به کسی ناامید شده اید، پیشنهاد می کنم که همه چیز را از اول شروع کنید.

شهریور : بالاخره عطارد به حرکت مستقیم خود برگشت.بنابراین مشکلاتی که اخیراً در خانه با آن روبرو شده اید،حل می شوند.اگر در انتظار شنیدن خبری هستید به زودی این خبر را می گیرید.

مهر : بالاخره بعد از مدت طولانی مرکوری مجدداً به مسیر مستقیم خود برگشته و شما می توانید نفس راحتی بکشید. اگر با شخصی عدم تفاهم بر سر مطلبی داشتید اکنون می توانید آن اختلافات را حل کنید.هم چنین هر بسته یا نامه ای که گم شده را جستجو کنید و یا شانس این را دارید که بفهمید چه بلایی بر سر آنها آمده است.اگر اخیراً چیزی را گم کرده اید،در این زمان می توانید آن را پیدا کنید.

آبان : عطارد امروز به حرکت مستقیم بر می گردد.سرعت زندگی تان افزایش پیدا می کند.اگر با یک نفر آشنا شدید که از نظر مادی برای شما سودمند است حتماً او را از دست ندهید.سیارات هر روز چنین شانسی را به شما نمی دهند.

آذر : امروز مرکوری تصمیم می گیرد که مستقیم حرکت کند و این به این معناست که همه چیز خیلی به نرمی و آرامی پیش خواهد رفت. ممکن است مسایل شلوغ و پر دردسر شوند ولی حداقل همه چیز طبق برنامه پیش می رود. ولی سعی کنید بار زیادی را بدوش نگیرید و امید داشته باشید که همه چیز بخوبی پیش برود. فقط تعداد محدودی هندوانه با یک دست می توانید بلند کنید.

دی : با یک شخص خاص مشکل پیدا می کنید. اگر سعی کنید آن را نادیده بگیرید، متوجه می شوید که آن فرد خودش نیز پشیمان می شود و تقاضای شروع مجدد دوستی را از شما می کند و شما نیز متعجب می شوید.

بهمن : امروز عطارد به مسیر مستقیم خود ادامه می دهد و روابط به حالت عادی خود بر می گردند و کمتر پیش می آید کسی چیزی بگوید که شما را ناراحت کند.اگر به تمام حرفها و مسائل اطرافتان توجه کنید موضوعاتی بدست می آورید که می توانید به آنها فکر کنید.همچنین متوجه خواهید شد که لازم است در زندگی تان تغییراتی ایجاد کنید.

اسفند : امروز عطارد حرکت عادی اش را از سر می گیرد و شما می توانید با یک احساس راحتی نفسی عمیق بکشید. حتی نزدیک به این تعطیلات فصلی به شما اخباری مطلوب از پروژه هایتان می رسد و می توانید به آنها لعاب و جلا بدهید.

آگهی تاسیس شرکت مهام پوشش ساحل سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۸۹/۰۹/۱۷ تحت شماره ۱۲۲۶۰ و شناسه ملی ۱۰۸۰۰۱۴۷۴۱۷ دراین اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۸۹/۰۹/۲۸ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهار نامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه های رسمی و کثیرالانتشار دریا آگهی می شود .
۱ – موضوع شرکت: انجام کلیه کارهای پوشش ساختمان اعم از فامالین رومالین پتینه نقاشی همچنین انجام و ایجاد طرحی نو در زمینه فامالین و انجا م طرح های زیبا و جدید در مورد اتاق کودک سالن ها اتاق کار دفاتر و شرکت ها . ۲ – مدت شرکت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود ۳ – مرکز اصلی شرکت : ۱ – ۳ – استان هرمزگان – شهر بندرعباس پمپ بنزین بالا خ شهید حسین دهقانی کوچه لاله زار ۷ پلاک ۱، ۴ – سرمایه شرکت : مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به یکصد سهم ۱۰۰۰۰ ریالی که تعداد یکصد سهم با نام می باشد که مبلغ ۳۵۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۸۰۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۱ نزد بانک ملی شعبه دارایی بندرعباس پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می باشد . ۵ –او لین مدیران شرکت : ۱ – ۵ – آقای محمود جوزری به سمت رئیس هئیت مدیره ۲ – ۵ – خانم ام البنین جوزری به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ۳ – ۵ – آقای محسن جوزری به سمت مدیر عامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند . ۶ – دارندگان حق امضاء کلیه اسناد و اوراق بهادار و تهداور شرکت با امضا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود ۷ –اختیارات مدیرعامل مطابق اساسنامه می باشد . ۸ – بازرس اصلی وعلی البدل : ۱ – – آقای محمد خلیلی به عنوان بازرس اصلی ۲ – ۲ – آقای مصطفی جوذری به عنوان بازرس علی البدل. ۱۰۹۴۸ /م الف

مسئول ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری واحد ثبتی بندرعباس

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان یارن ولایت

بدینوسیله از کلیه اعضا شرکت تعاونی دعوت می شود در جلسه ای که روز سه شنبه مورخ ۸۹/۱۰/۱۴ راس ساعت ۱۵ در محل پروژه ۲۸۰ واحدی تشکیل می گردد . حضور بهم رسانید. اعضائیکه بهر دلیل نمی توانند در مجمع حضور یابند می توانند به شخص دیگری وکالت دهند برای تائید وکالت می بایست عضو به همراه نماینده تام الاختیار خود حداکثر تا مورخ ۸۹/۱۰/۱۲ به دفتر تعاونی واقع در چهار راه رسالت طبقه فوقانی بانک رفاه مراجعه نمایند در غیر اینصورت وکالتنامه های عادی بدون تائید شرکت فاقد اعتبار است : دستور جلسه : – تطبیق اساسنامه با آخرین اصلاحات بخش تعاون و تصویب اساسنامه جدید
– تمدید مدت تعاونی (ماده ۵ اساسنامه)

رئیس هیات مدیره – اسکندری مدیرعامل – بهروز کریمی

آگهی احضار

در پرونده کلاسه ۸۷/۳۱/۵۱۲ آقای حمید رحیمی فرزند قاسم حسب کیفر خواست شعبه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بندرعباس به اتهام ایراد ضرب و جرح با چاقو تحت پیگرد قانونی است و به علت اینکه آدرسی از نامبرده در دست نیست به استناد ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب در روزنامه آگهی می شود تا دروقت رسیدگی ساعت ۸/۳۰ صبح روز یک شنبه مورخه ۱۳۸۹/۱۱/۱۰ دراین شعبه حاضر و از خود دفاع نماید والا برابر مقررات اقدام خواهد شد .۹/۴۳۱

رئیس شعبه ۱۰۳ دادگاه جزائی بندرعباس

آگهی احضار

در پرونده کلاسه ۸۹۰۶۸۰۰۴۶۵ آقای سهراب حاتمی ۲ – حمید سلمانی فرزند ۱ – علی ۲ – ابراهیم حسب کیفر خواست شعبه دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان رودان به اتهام مشارکت در نزاع دسته جمعی منجر به ایراد ضرب و جرح عمدی تحت پیگرد قانونی است و به علت اینکه آدرسی از نامبرده در دست نیست به استناد ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب در روزنامه آگهی می شود تا دروقت رسیدگی ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخه ۱۳۸۹/۱۱/۱۲ دراین شعبه حاضر و از خود دفاع نماید والا برابر مقررات اقدام خواهد شد .۹/۴۳۴

رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه جزائی رودان

آگهی ابلاغ دادخواست و ضمائم و وقت رسیدگی

خواهان بانک ملی ایران اداره امور شعب استان هرمزگان با مدیریت آقای محمود حسن شاهی دادخواستی به طرفیت خواندگان برکت پالیز بان فرزند محمد و یوسف رگبار فرزند باران به خواسته مطالبه طلب ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ریال تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان بندرعباس نموده که جهت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس واقع در بندرعباس – میدان ابوذر – دادگستری کل استان هرمزگان – ساختمان شماره یک ارجاع و به کلاسه پرونده ۸۹۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۵۸۲ ثبت گردیده و وقت رسیدگی آن ۱۳۸۹/۱۱/۱۹ و ساعت ۱۲:۳۰تعیین شده است . به علت مجهول المکان بودن خواندگان و در خواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. در غیر این صورت غیابا رسیدگی و تخاذ تصمیم می گردد. ۹/۴۳۳

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی به خوانده / خواندگان مجهول المکان

نظر به اینکه خواهان موسسه قرض الحسنه مهر بسیجیان طرفیت خوانده آقای سهراب سالاری فرزند علی دادخواستی تنظیم که جهت رسیدگی به شعبه ششم دادگاه حقوقی بندرعباس ارجاع و به کلاسه ۸۹۰۳۰۵ ثبت و به تاریخ ۸۹/۱۲/۸ ساعت ۱۱ صبح اداری وقت رسیدگی می باشد نظر به مجهول المکان بودن خواندگان و تقاضای خواهان و دستور دادگاه به استناد ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار چاپ تا خواندگان ظرف ۱ ماه در دفتر شعبه حاضر و نسبت به اخذ نسخه ثانی دادخواست و ضمائم اقدام و در وقت مقرر در جلسه رسیدگی حضور بهم رسانند در غیر این صورت دادگاه غیابا رسیدگی و تخاذ تصمیم می نماید . ۹/۴۲۹

مدیر شعبه ششم دادگستری شهرستان بندرعباس – دارابی

آگهی ابلاغ

پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه خانم شهید امانی که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد وفق دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۷۶۱۲۰۰۴۱۰ صادره از شعبه دوم در پرونده شماره ۸۸۹۹۸۷۶۱۰۲۰۰۵۰۹ محکوم به پرداخت مبلغ پنجاه میلیون ریال بابت اصل خواسته و پرداخت مبلغ یک میلیون و سی و یک هزار ریال هزینه دادرسی و حق الوکاله نماینده حقوقی طبق تعرفه و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ چک (۸۷/۱۰/۲۸) لغایت اجرای کامل دادنامه مطابق شاخص تورم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حق موسسه قرض الحسنه بسیجیان صادر و اعلام می نماید رای صادره غیابی محسوب ظرف بیست روز پس از انتشار قابل واخواهی دراین دادگاه و سپس با انقضاء مهلت واخواهی ظرف بیست روز قابل تجدید نظر در دادگاه محترم تجدید نظر استان هرمزگان می باشد .۹/۴۳۰

در غیاب رئیس شعبه دوم حقوقی – دادرس علی البدل – رحمانی

آگهی ابلاغ

خواهان محمد ایوب عبدی مالکی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای احمدرضا عشقی کژدمی فرزند اسدالله به خواسته مطالبه طلب تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان بندرعباس که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس واقع در بندرعباس – خیابان آیت الله مطهری شمالی – دادگستری کل استان هرمزگان ارجاع و به کلاسه پرونده ۸۹۰۹۹۸۷۶۱۰۱۰۰۶۸۴ ثبت گردیده و وقت رسیدگی آن ۱۳۸۹/۱۱/۱۱ و ساعت ۰۸:۳۰ تعیین شده است . به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. ۳۸۸/۹

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس – عیسی میری

ابلاغ اجرائیه

بموجب دادنامه غیابی شماره ۸۹۰۹۹۷۷۶۵۶۱۰۰۵۲۳ صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی میناب محکوم علیه غلام حیدرزاده نصیرائی فرزند محمد محکوم است به حضور در یکی از دفاتر ثبت رسمی ازدواج و طلاق و ثبت واقعه ازدواج فی مابین خود با محکوم له خانم لیلا شبتاری فرزند محمد و پرداخت مبلغ یکصد هزار ریال بابت هزینه اجرا لذا بدینوسیله مراتب یک نوبت آگهی و به محکوم علیه ابلاغ می گردد ظرف ده روز به این اجرا مراجعه نماید والا نسبت به اجرای حکم غیابا اقدام خواهد شد . ۳۸۲/۹

رئیس شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری میناب – عادل ترازوی زر

قرار استماع شهادت شهود

خواهان : راضیه پورصادق خوانده : حمید جمالی کوهشاهی خواسته : طلاق وقت رسیدگی : ۹۰/۲/۲۵ ساعت : ۹ . نظر به اینکه خواهان دادخواستی به خواسته طلاق به طرفیت شما به شعبه پنجم دادگاه حقوقی بندرعباس تقدیم و به کلاسه ۸۹۰۳۱۷ ثبت گردیده است و با توجه به لزوم استماع شهود وفق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقتضی است در وقت تعیین شده در تاریخ ۹۰/۲/۲۵ ساعت ۹ جهت استماع شهادت شهود در دادگاه حاضر شوید در صورت عدم حضور وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد .۳۸۱/۹

رئیس /دادرس شعبه پنجم دادگاه حقوقی بندرعباس – حبیب زاده

دادنامه

پرونده کلاسه ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۴۵۰۰۴۲۰ شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی (جزائی) دادگستری شهرستان بندرعباس دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۷۶۱۲۰۰۱۳۵۷ ، شاکی : آقای امین هاشمی پور به نشانی حاجی آباد – چهل و هشت واحدی – بلوک ۷ – منزل شخصی حامد بنی اسدی ،
متهمین :۱– آقای مجتبی خادمی به نشانی حاجی آباد ۲– آقای محمد شاهرخی ۳– آقای فرزاد شاهرخی با کفالت آقای محمد شاهرخی تنگ دهوئی (کفیل فرزاد و محمد) به نشانی حاجی آباد اداره منابع طبیعی ۴– آقای نادر شاهرخی به نشانی ،اتهام ها : ۱– توهین ۲– مشارکت در ضرب و جرح عمدی ،گردشکار : پس از وصول پرونده به این شعبه و ثبت به کلاسه بالا و جری تشریفات قانونی ، سرانجام دادگاه در وقت فوق العاده / مقرر تشکیل و پس ازبررسی اوراق و محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و با استعانت از خداوند سبحان بشرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید .
رای دادگاه :در خصوص اتهام متهم آقایان فرزاد شاهرخی فرزند محمود ۲۱ ساله و محمد (محمد امین) فرزند مهدی ۱۷ ساله اهل و ساکن حاجی آباد مجرد و فاقد سابقه کیفری دائر در ایراد ضرب و جرح نسبت به شاکی دادگاه با توجه به محتویات پرونده شکایت شاکی گزارش ماموران اظهارات مطلعان و شهود کیفر خواست شماره ۸۸۱۰۴۳۷۶۱۴۵۰۰۴۵۰ – ۸۸/۱۰/۲۷ و با توجه به اظهارات شاکی در جلسه ۸۸/۱۲/۲۳ و انکار متهمان و با توجه به وجود گواهان و اتیان سوگند از باب قسامه در جراحات توسط شاکی دادگاه از جهت حق شاکی خصوصی متهمان را به طور تضامن با عنایت به گواهی های پزشکی قانونی مندرج در پرونده بسایر قرائن و امارات مستفاد از اوضاع و احوال موجود در پرونده بشرح صفحات ۶–۴۲ و ۵۱ به استناد ماده ۳۶۷ و ۴۲ و بند ب ماده ۴۸۱ قانون مجازات اسلامی هر یک از متهمان را بطور تضامنی به پرداخت سه هزارم دیه بابت کبودی زیر چشم چپ و به پرداخت بیست و پنج صدم دیه کامل بابت ارش کاهش شدید بینایی چشم چپ ظرف یکسال از تاریخ حادثه (۸۸/۲/۲) در حق شاکی محکوم می کند و در خصوص اتهام دو متهم دیگر به اسامی مجتبی خادمی فرزند ابوالقاسم و نادر شاهرخی فرزند جعفر دائر به مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به شاکی دادگاه با توجه به محتویات پرونده اظهارات شاکی و متهمان در جلسه دادگاه بلحاظ عدم کفایت دلیل و حاکمیت اصل برائت به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری حکم بر برائت آنان صادر و اعلام می دارد دادگاه نظر به اینکه متهمان با اتیان سوگند (قسامه) توسط شاکی به پرداخت دیه به شاکی محکوم شده اند موضوع را فاقد جنبه عمومی می داند این رای حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ در محاکم تجدیدنظر استان هرمزگان قابل اعتراض است. ۳۷۸/۹

رئیس شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی جزائی بندرعباس –محمدزارعی کریانی

دادنامه

مرجع رسیدگی : شورای حل اختلاف – شعبه ۱۷ میدان یادبود مجتمع شهرداری طبقه دوم خواهان هادی سالارپور محل اقامت : کوی ملت ۲ هزار آبنما کوچه سلمان فارسی ۲۳ خوانده : امید بهرامی محل اقامت : مجهول المکان موضوع مطالبه مبلغ پنج میلیون تومان . رای شورا : در خصوص دادخواست خواهان آقای هادی سالارپور به طرفیت خوانده آقای امید بهرامی به خواسته مطالبه مبلغ پنج میلیون تومان به شرح دادخواست تقدیمی و صورتمجلس شورا بدین خلاصه که خواهان منزلی را از خوانده به مدت یکسال اجاره نموده و مبلغ پنج میلیون ودی